

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۹۹، ۱۱۱-۱۲۶

## نقدی بر کتاب

### «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ام‌سلمه»

مصطفی رستمی\*

معینه السادات حجازی\*\*

#### چکیده

در دوره حاضر گفتمان مسائل مرتبط با زنان به مثابه یک گفتمان مطرح در عرصه بین‌المللی حائز اهمیت است. مطرح کردن مباحث مربوط به زنان به عنوان بخش اعظمی از جمعیت آحاد جامعه می‌تواند در ارتقاء سلامت ابعاد گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی موثر باشد. از آنجا که فعالیت‌های موثر بانوان در ابعاد گوناگون اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است، ضعف چنین مطالعاتی در کشور ایران بیشتر به چشم می‌خورد. در سال‌های اخیر زنان ایرانی در دستیابی به جایگاه حقیقی خود کوشیده‌اند. ظرفیت بانوان در عرصه انواع فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای عوام و نیز خواص پوشیده است.

کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران" نوشته سرکار خانم طاهره ملامحمدی از جمله آثاری است که گامی برای شناخت و بستری برای باورمندی زن ایرانی را فراهم کرده‌است. معرفی شخصیت و آثار خوش‌نویسان بانوی ایرانی در تاریخ دوران

---

\* دکترای پژوهش هنر، عضو هیئت علمی (استادیار) گروه صنایع دستی و پژوهش هنر، دانشگاه مازندران  
(نویسنده مسئول)، M.rostami@umz.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد هنر اسلامی، عضو هیئت علمی (مربی) گروه صنایع دستی، دانشگاه بجنورد،

M.hejazi@ub.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۹، تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

اسلامی در ایران، حرکت ارزشمند ایشان در نگارش این کتاب است. پژوهش حاضر به بررسی ظاهری اثر و نقد محتوایی کتاب بانوان خوش نویس ایران پرداخته است.

**کلیدواژه‌ها:** نقد کتاب، بانوان خوش نویس ایران، ملامحمدی، خوش‌نویسی

## ۱. مقدمه

الگوهای نقش جنسیت که در طول تاریخ وجود داشته، عمدتاً به مردان اجازه داده است که امتیاز اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نابرابرانه برای خود حفظ کنند و از شرایط موجود سود برده و چندان علاقه‌ای برای تغییر نداشته‌اند (رایرتسون، ۱۳۷۷: ۲۸۲).

نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را زنان تشکیل می‌دهند، بنابراین در توانمندی و توسعه هر جامعه نقشی تعیین کننده دارند. کاهش حضور زنان نسبت به مردان در جامعه به دلیل شرایط اجتماعی و تفاوت‌های مذهبی است تا عواملی همچون فقدان کارآمدی یا عدم استعداد و قابلیت‌های ذاتی زنان. در طول تاریخ، هنر زنان بیشتر در هنرهای کاربردی که با زندگی روزانه پیوستگی داشته، شکل گرفته است (حسنوند و مهدی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۱). هر جامعه به فراخور عادات و باورهای فرهنگی و اجتماعی نقشی را برای جنس زن و مرد تبیین می‌کند.

هنر در عام‌ترین تعریف خود، ظهور و تجلی استعدادهای فطری و زیبایی طلب انسان در قالب آثار هنری است؛ مفاهیمی که به تمامی، ذاتی انسان محسوب می‌شوند (بلخاری، ۱۳۸۹: ۱۷۱) و منحصر کردن آن به جنسیت خاصی خلاف واقع است.

سکوت منابع تاریخی در خصوص زنان، کسب اطلاعات صحیح درباره اوضاع و احوال زنان، آگاهی از میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نیز فعالیت‌های هنری در جوامع گذشته را با مانع مواجه می‌سازد. به‌رغم سکوت منابع، نمی‌توان نقش زنان را نادیده گرفت. باید این واقعیت را پذیرفت که سکوت منابع صرفاً به دلیل عدم نقش‌آفرینی زنان نیست. زنان کم و بیش به صورت پنهان و آشکار بنابر موقعیت اجتماعی و فرهنگی خود و خانواده‌شان، در برخی امور خارج از وظایف محوله در محیط خانه و خانواده فعال بوده‌اند (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۹).

ضعف شدید منابع و مستندات علمی در مباحث تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و هنری زنان وجود دارد. کتاب «زنان هنرمند در قرن بیست و یکم» نوشته اوتا گروزنیک با ترجمه میتراجمالی از تازه‌ترین معدود کتاب‌ها در زمینه معرفی زنان هنرمند است. همچنین از

نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۱۳

خانم ملامحمدی کتاب دیگری به نام «بانو ضیاء السلطنه، خوش‌نویس قاجاری تبار» منتشر شده است. این کتاب به معرفی شخصیت و آثار ضیاء السلطنه، دختر هفتم فتحعلی شاه اختصاص دارد و در سال ۱۳۹۶ با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و کاخ گلستان به چاپ رسیده است. متن این کتاب مشتمل بر زندگی‌نامه و ابعاد شخصیتی ضیاء السلطنه، آثارش همچون سه قرآن، انواع مکاتبات داخلی و خارجی وی، قباله ازدواج و نقشه محل دفن این بانوی خوش‌نویس قاجاریمی باشد.

تیتوس بورکهارت در کتاب هنر مقدس، خوش‌نویسی را از جمله شریف‌ترین هنرهای بصری در جهان اسلام بر می‌شمرد و کتابت قرآن را هنری مقدس محسوب می‌دارد، خوش‌نویسی نمودگار جسم مرئی کلام الهی است (بورکهارت، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

نوشتن و ثبت کلمه و کلام‌الله ارزشی بس والا در میان مسلمانان داشته و دارد. پیامبر اسلام فرمود: «کسی که قلمی را بتراشد و با آن در باب علم و دانش چیزی بنویسد، خدا درختی در بهشت به او عطا کند و آنچه در آن است بهتر باشد» (جمشیدی، ۱۳۸۵: ۵).

خوش‌نوشتن در ابعاد مختلفی تاثیرگذار است؛ زیبایی و حسن خط رقبت مخاطب را برای خواندن متن می‌افزاید و نیز موجب ارجمندی نویسنده در نگاه مخاطبین می‌گردد. به‌همین خاطر نویسندگان و کاتبان به ویژه کاتبان وحی از منزلت اجتماعی بالایی در جامعه برخوردار بودند. خوش‌نویسی در میان هنرهای اسلامی معرف مذهب، آینه دین و حافظ و توسعه‌دهنده علم و دین بوده، از این روی بخش قابل توجهی از هویت مذهبی و اجتماعی هنرمندان مسلمان در کتابت منعکس می‌گردد. آنچه مسلم است حافظه تاریخ مردسالارانه، کمتر نامی از هنرمندان زن در عرصه تاریخ هنرجهان و هنراسلامی به یاد می‌آورد. با تفکیک هنرهای زیبا از هنرهای سودمند همچون سفال‌گری، گلدوزی، دوخت لباس و پوشاک و... که اغلب هنردست زنان بوده‌اند، این انفصال افزون گشت. در غرب، زنان پس از اولین جنبش‌های فمینیستی تلاش مضاعفی در تثبیت جایگاه اجتماعی خود در عرصه‌های هنری نمودند تا در آینده نزدیک کتب تاریخ شاهد اسامی بیشتری از زنان هنرمند باشد. ضرورت پژوهش در حوزه هنر زنان به واسطه تاثیرات مثبت بر باورها و توانایی‌های زنان بر آحاد جامعه، زن و مرد، جوان و نوجوان بر همگان روشن است.

در ایران پس از اسلام، هنر با رویکردهایی که از تفکرات و ایدئولوژی اسلامی دریافت می‌نمود، نقشی هویت‌بخش در جامعه مسلمان ایفا نمود. در زمانی که اولین امضاها از هنرمندان به جا ماند و در کتیبه‌ها نام‌های معماران، نقاشان و خطاطان ثبت شده، غالب

اسامی متعلق به مردان بوده است. در این میان هنرمندان زن مسلمان، نقشی بسیار کم‌رنگ و هویت ناشناخته‌ای داشته‌اند. فقر گسترده اسناد تاریخی در این زمینه، انجام پژوهش در مورد هنر زنان در ایران را مانند بسیاری از نقاط جهان تحت تاثیر قرار داده است. حضور هنرمندان زن در عرصه خوشنویسی و امر کتابت به واسطه ارتباط با سوادآموزی، مساله‌ای دوسویه قلمداد می‌گردد. در گام اول داشتن سواد و توانایی خواندن و نوشتن برای زنان با محدودیت مواجه بوده است، پس از رفع این محدودیت است که گام بعدی یعنی خوش‌نوشتن معنادار می‌گردد.

خردآموزی در دین زرتشت و بعد از ورود اعراب به ایران در دین اسلام هر دو امری پسندیده و مورد تاکید فراوان است. اما آنچه شواهد تاریخی نشان می‌دهد، کسب دانش در میان طبقه خواص و درباریان رواج داشته و آموزش یک مطالبه اجتماعی عام نبوده است. مدارس از جندی شاپور گرفته تا دارالفنون همگی برای اقشار خاص جامعه و مختص مردان بودند. کسب علوم مختلف برای زنان درباری نیز جایگاهی نداشت. آنچه عموماً از علم آموزی برای زنان دربار مطرح بوده، آموزش‌های دین‌مدارانه است (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۴).

پژوهش حاضر به روش توصیفی و با بهره‌مندی از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام یافته است. این پژوهش در سه بخش معرفی اثر، بررسی و تحلیل ابعاد شکلی کتاب و بررسی و تحلیل محتوایی اثر نگارش شده است. در این مقاله به بررسی و نقد شکلی و محتوایی کتاب بانوان خوش‌نویس ایران با هدف شناخت قابلیت‌های زنان در عرصه فرهنگ، هنر و علم‌آموزی در تاریخ ایران دارد. نیز هدف اصلی نقد کتاب تعیین جنبه‌های مثبت و نقص‌های احتمالی شکلی، نگارشی و محتوایی برای ارتقاء سطح پژوهش در این حوزه است.

## ۲. طرح مساله

آگاهی از میزان و نحوه مشارکت زنان توانمند و خودساخته ایرانی که در طول تاریخ در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، هنری و... تاثیرگذار بوده‌اند، برای هویت‌بخشی به جامعه به خصوص جامعه زنان و دختران ایرانی تاثیر به‌سزایی دارد. سلسله تمام عیار نام مردان در اسناد و نسخ تاریخی و نیز معاصر کمتر مجالی برای درخشش نام زنان باقی گذاشته است. از سوی دیگر می‌توان این‌گونه در نظر آورد که زنان

نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۱۵

کمتری بوده‌اند تا در شرایط اجتماعی موجود از فرصت‌ها برای رشد در خارج از محدوده خانه و خانواده بهره برده باشند. به هر ترتیب مساله مهم، وجود زنانی است که فعالیت‌های موثر داشته‌اند، اما نویسندگان، مورخان و دبیران در طول تاریخ به آن‌ها چندانی که شایسته است، نپرداخته‌اند و در منابع به سهولت به نام آنان برنخواهیم خورد. بدین ترتیب معدود کتاب‌ها و پژوهش‌های انجام یافته در این زمینه ارزش دو چندان می‌یابد. زیرا پژوهشگر پا در قلمرو ناشناخته‌ها و ناگفته‌ها گذاشته است. کتاب بانوان خوش‌نویس ایران یکی از معدود کتاب‌های ارزشمندی است که بانوان هنرمند و فعال در عرصه خوش‌نویسی ایران را معرفی و به بررسی آثار به جای مانده از آنان می‌پردازد. گرچه چنین تلاشی در جای خود ستودنی است، اما به طور قطع نقد منصفانه می‌تواند به تمییز سره از ناصره، تشخیص قوت‌ها و تاکید بر آن‌ها، دانش نسبت به نقاط ضعف و تلاش برای رفع آن در ویرایش‌های بعدی و یا سایر پژوهش‌های مرتبط باشد.

### ۳. معرفی اثر

کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران؛ از زینب شهده تا ام‌سلمه" به قلم خانم طاهره ملامحمدی در سال ۱۳۹۳ در نوبت اول توسط انتشارات سمیرا در قطع وزیری با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه به زیور چاپ آراسته گشت. این کتاب دارای ۱۴۸ صفحه، به همراه ۲۹ قطعه تصویر به شرح احوال و آثار بانوان خوش‌نویس ایرانی می‌پردازد. نویسنده کتاب، کارشناس ارشد مرمت اشیاء، خوش‌نویس و امین امول کتابخانه چاپی کاخ گلستان می‌باشند. ملامحمدی در کتاب خود ابتدا به شرح کلیاتی پیرامون پیدایش خط، مراحل خوشنویسی و ابزار کتابت و انواع آن اشاره داشته است. وی در ادامه به معرفی زنان خوش‌نویس ایرانی از زینب شهده تا گوهرشاد، مرجان، ضیاءالسلطنه، ام‌سلمه، فخرجهان، خورشید کلاه، مریم بانو نائینی، هما نقاش، اسیری اردکانی، توران آغا، دختر مولی اصفهانی، زیب النساء بیگم، زینب السلطان، سلطان بسطامی، شاد ملک، عصمت قاجار، علویه خانم، مهر النساء، مهربانو بیگم، تا ام سلمه و... پرداخته است.

دکتر "ایرج نعیمائی عالی" مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته‌اند. ایشان بیش از ۳۰ سال است که در عرصه خوش‌نویسی، به ویژه خط «محقق» و «ریحان» به طور حرفه‌ای فعالیت می‌کنند. دکتر نعیمائی عضو وابسته فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، عضو گروه پژوهشی شورای انقلاب فرهنگی، دبیر و بنیانگذار همایش کاتبان وحی، رییس

شورای ارزشیابی هنر تهران بوده و تاکنون بیش از ده‌ها عنوان کتاب و مقاله در حوزه هنر و پژوهش هنر تألیف و تدوین نموده‌اند. ایشان در ابتدای مقدمه اشاره می‌کند که زنان در طول تاریخ، اگرچه به دلیل محدودیت‌ها، محرومیت‌ها، ممنوعیت‌ها و مشکلات زیاد؛ همواره نتوانستند پا به پای مردها، در حوزه‌ی هنر پیش روند. با وجود همه محدودیت‌ها، در هر زمانی که فرصتی دست داد، زنان توانستند قابلیت‌های انسانی خویش را هم‌پای مردان، حتی دقیق‌تر به‌طور برسانند. زنان در هر فرصتی کمال استفاده را برای بروز توانایی‌ها و قابلیت‌های هنری‌شان، نموده‌اند (نعیمائی، ۱۳۹۳). دیدگاه دکتر نعیمائی در خصوص محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های پیش پای هنرمندان زن در طول تاریخ، امری حقیقی است. اما این سوال مطرح هست که در بستر تاریخ، زنان تا چه میزان از فرصت‌ها استفاده کرده‌اند؟ چه میزان از این محدودیت‌ها جبر جامعه، فرهنگ، سنت، دین، طبیعت و جنسیت بوده است؟ و در چه مواردی محدودیت‌های فکری و انزوای ذهنی زنان جامعه در پذیرش نارسائی‌ها مسبب این امر شده است که امروزه منابع تاریخ هنر خالی از نام زنان هنرمند می‌باشد؟ در ادامه مباحث، دکتر نعیمائی به جایگاه بلند خوش‌نویسی در دین اسلام و توصیه پیامبر و معصومان به این هنر دیرپای دارد. وی از ابن‌مقله شیرازی به عنوان اولین خوش‌نویسی که اقلام سته را از بتن خط کوفی استخراج کرد، نام می‌برد و اولین فرد ادامه دهنده راه وی را دخترش «شاهده» برمی‌شمرد و پس از آن «گوهرشاد» دختر میرعماد را ادامه دهنده راه پدر، پس از شهادت وی می‌داند. سپس از «ام سلمه» دختر فتحعلی‌شاه قاجار یاد می‌کند و پس از شرحی مفصل‌تر از شخصیت و آثار وی در نهایت چنین می‌گوید: «بی‌تردید کیفیت آثار ام‌سلمه، در خط نسخ، این تصور را که زن‌ها نمی‌توانند هم‌تراز با مردها، اثر هنری بیافرینند باطل کرده است و نشان داد اگر زنان هم فراغت بیشتری داشته باشند و بقیه امور زندگی، مانع تلاش آن‌ها نشود، خستگی ناپذیر می‌توانند تمامی مراحل عالی و حرفه‌ای هنر را طی کنند». ایشان از نویسندگان کتاب به مثابه زنی که خود هنرمند و محقق است و تلاش‌های ایشان در راستای معرفی آثار هنری زنان جامعه ایران به نیکی یاد می‌نماید (نعیمائی، ۱۳۹۳).

پس از مقدمه چهار صفحه‌ای دکتر نعیمائی، مقدمه نویسنده قرار دارد. قبل از متن مقدمه، تیتراژ «تقدیم به تمامی عزیزان» و تک بیت «نیست بر لوح دلم جز الف قامت یار، چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم» از حافظ شیرازی آمده است. نویسنده در مقدمه به پیشینه فعالیت‌های خویش در عرصه نگارش هنر خوش‌نویسی، انجام تحقیقات علمی و برپایی

نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۱۷

نمایشگاه خوش‌نویسی از آثار زنان خوش‌نویس قاجاری اشاره می‌کند. وی انجام این کتاب را برای قدردانی از آنانی می‌داند که در خلوت گمنامی خویش، با ذوقی سرشار از ظرافت پنهان ماندند. ملا محمدی در پاراگراف بعدی، از تمامی افراد پژوهشگر که به لحاظ بار علمی همراهی‌شان کرده و مسئولان موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که نمونه آثار را در اختیار ایشان قرار داده‌اند، تشکر نمود.

در صفحه فهرست پس از فرنامقدمه دکتر نعیمایی و مقدمه نویسنده، موارد دیگر در ۴۲ بخش آمده است. در این میان ۲۹ بخش به معرفی بانوان خوش‌نویس ایرانی که در کتب تاریخی از آن‌ها یاد شده و یا آثاری از آنان در موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی به‌جای مانده است را در بر می‌گیرد.

#### ۴. بررسی و تحلیل ابعاد شکلی اثر

این کتاب با قلمرایانه‌ای نازنین نگاشته شده است. اندازه فونت در خوانایی متن معقول بوده و در صفحه‌بندی حجم مناسبی از نوشتار در یک صفحه جای گرفته است. نسبت به حجم مطالب، صفحه‌بندی و تعداد صفحات مناسب اختیار شده و خواننده را خسته نمی‌کند. کیفیت چاپ تصاویر مطلوب و کاغذی را که عکس‌های رنگی در آنها درج گردید، گلاسه است. مقدمه دکتر نعیمایی و نویسنده در ایجاد ذهنیت روشن و شفافیت موضوع و عنوان برای جلب خواننده به سوی کلیت مطالب، کارکردی اساسی دارد. متن نوشتار به لحاظ ویژگی‌های نگارشی و ادبی دارای متنی روان و در اکثر موارد دارای صفات و افعال صحیح و کسب معیارهای لازم نوشتاری توفیق داشته است. به‌رغم این قابلیت، بدیهی است که انجام ویرایش فنی و اصولی و اصلاح برخی ارجاعات، به پختگی بیشتر متن کمک شایانی می‌نماید. همانند جمله دکتر نعیمایی در پاراگراف آخر مقدمه که فعل "شده" در انتهای جمله به جای "آشنا شده" آمده است و یا در صفحه ۱۳۵ ارجاع درون‌متنی (مهناز رحیمی فر، ص ۱۴) سال پژوهش اعلام نشده است.

متن اصلی کتاب از صفحه ۱ تا ۱۴۱ بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه فصل‌بندی آمده است. در فهرست مطالب، لیستی از رئوس مباحث به ترتیب در دو صفحه قرار گرفته‌اند. ملاحظه موضوعات داخل متن ایجاب می‌کند که مطالب کتاب حاضر، حداقل در دو فصل مجزا آورده می‌شدند. بخش اول تحت عنوان فصل ۱: در خصوص پیدایش خط، مراحل خوش‌نویسی و آداب آن، شیوه خوش‌نویسی، قواعد عمومی و کلی

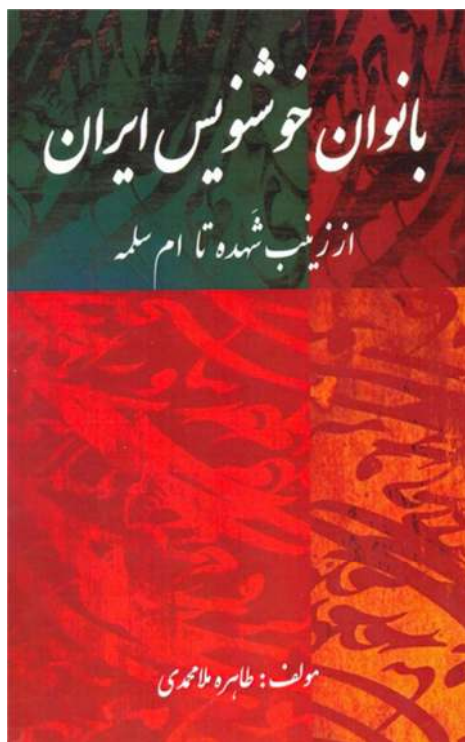
خوش‌نویسی، وسایل و ابزار خوش‌نویسی، نوشتن قرآن، سابقه تذهیب و صفحه‌آرایی، کتابت، روش‌های سنجش نسخ خطی، روش‌های تشخیص اصالت یا جعلی بودن سند، ابداع خط و نقاشی ناخنی می‌توانست قرار گیرد. در فصل ۲: با عنوان معرفی زنان خوش‌نویس ایران به معرفی بانوان به ترتیب تاریخی که ذکر شده است، منتهی به فهرست منابع و تصاویر می‌گشت. در تقدیم‌نامه کتاب آمده است: " تقدیم به تمامی عزیزان! این عبارت بسیار کلی است و بازگوکننده ویژگی خاص، فرد یا افراد مخاطبو موضوع تخصصی کتاب نیست.

جلد کتاب به مثابه پوشش و مظروفی برای متن، همراه کتاب بوده است و نوع ساخت و کیفیت بصری آن وابسته به موضوع و اهمیت کتاب، از تنوع بالایی برخوردار می‌باشد. خوانایی، زیبایی و نوآوری از مهم‌ترین نکات مورد نظر در طراحی جلد همسو با روحیه و محتوای کتاب است. ایجاد ارتباط میان روی جلد، عطف و پشت جلد از الزامات اجتناب‌ناپذیر در این زمینه خواهد بود. استفاده از فرم، فونت و رنگ سبب جذابیت خواهد بود (آرام‌بن و همکاران، ۱۳۹۵: ۱).

در این کتاب طراحی جلد اگرچه با ترکیبی از سیاه مشق نستعلیق در چهار قطعه مستطیل رنگی شکل گرفته است یا این حال ارتباط معناداری با موضوع اصلی و بحث تخصصی کتاب که همانا بانوان خوش‌نویس است، به ذهن متبادر نمی‌کند و عناصر بصری و فرمی ویژه‌ای مرتبط با محوریت زن هنرمند ندارد. نگارش عنوان و نام نویسنده به خط نستعلیق در سیستم کامپیوتری به رنگ سفید، جنبه‌های زیبایی بصری جلد را تضعیف کرده است (تصویر ۱).



نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۱۹



تصویر ۱. جلد کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران از زینب شهده تا ام‌سلمه"

در صفحه بسم الله کتاب هم انتظار می‌رود با استفاده از خط خوش یکی از بانوان هنرمند تزیین می‌یافت و اطلاعات اثر از جمله نوع اثر، تاریخ، هنرمند و محل نگهداری آن در زیر عکس اشاره می‌شد. تناسب طول به عرض در برخی از تصاویر مانند تصویر ۶، ۱۰، ۱۹ و ۲۶ به هم ریخته است؛ طول و عرض نسبت واقعی را ندارند. استفاده از نمونه‌های بیشتر، جزئیات و دیتیل از بخش‌هایی از تزیینات نسخ، در تکمیل وصف نسخه و جزئیات آن لازم می‌نماید.

## ۵. بررسی و تحلیل محتوایی اثر

این کتاب در تعیین نقش و جایگاه زنان در عرصه هنر خوش‌نویسی، روشن‌گر مسیری مبهم در ورطه تاریخ است. جایگاهی که با ابهامات و پیچیدگی مواجه است. مبحث مهمی که کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران ... " به روی مخاطب گشوده است، چالشی در مباحث

مطالعات زنان، مسایل تاریخی و شرایط اجتماعی را پیش روی مخاطب می‌گذارد. بدین لحاظ بایستگی مطالعه و پژوهش در این عرصه بر کسی پوشیده نیست. به همین علت در این مقاله به بررسی، تحلیل و نقد محتوایی این کتاب پرداخته خواهد شد. به امید آنکه در پژوهش‌های آتی پژوهش‌های پخته‌تر، کامل‌تر و موثرتری ارائه گردد. در بخش تحلیل محتوا ابتدا نحوه فصل‌بندی و دسته‌بندی مطالب مورد توجه قرار گرفته است. سپس کیفیت منابع مورد استفاده بررسی شده و در بخش بعدی به چگونگی معرفی تصاویر و همچنین ارتباط متن و تصویر پرداخته شده است. در بخش آخر محتوای متن، رسایی و کارکرد آن در رسیدن به اهداف پژوهشی این کتاب مورد مذاقه قرار گرفته است.

## ۱.۵ فصل‌بندی مطالب

نویسنده در تیتراهای ابتدایی در ۲۷ صفحه اطلاعات جامع و روان از تاریخچه خط، شیوه‌ها و مراحل، انواع و ابزارهای آن می‌دهد. خواننده ناآشنا را با متنی روان و قلمی شیوا علاقه‌مند به دریافت اطلاعاتی چند در خصوص عناصر خوش‌نویسی و نسخه‌خطی می‌کند. اما به نظر می‌رسد این مطالب می‌بایست در فصلی جداگانه اما کوتاه و موجز از معرفی هنرمندان قرار می‌گرفت. نیز پیوستگی و توالی مطالب این بخش با آثار هنرمندان به طور واضح بیان می‌شد. به عنوان مثال گزینش در انتخاب خط ناخنی یقیناً برای آشنا کردن مخاطبان ناآشنا با این خط است تا در بخش‌های بعدی که بانوانی همچون فخرجهان خانم و هما نقاش را به عنوان خط‌ناخنی نویس در دوره قاجار نام می‌برد، مخاطب به نحوه کار و نوع خط آگاهی داشته باشد. اما علت بیان این نوع خط در میان انواع گسترده‌ای از خطوط شرح داده نشده است. انجام آن می‌توانست موجب انسجام مفهومی بیشتر در توالی مطالب گردد. در معرفی هنرمندان خط و نقاشی ناخنی، نویسنده به دوره تاریخ‌نگاری هریک از بزرگانی که در این بخش یاد کرده، نپرداخته است.

## ۲.۵ کیفیت منابع

ملا محمدی از ۲۱ منبع کتاب، مقاله و سایت استفاده کرده است. با توجه به سال نشر کتاب، استفاده از منابع جدیدتر می‌توانست اطلاعات به روز و روشن‌تری را در اختیار خوانندگان بگذارد. همچنین اسناد و منابع تاریخی دست اول که پژوهش‌های تاریخی به

نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۲۱

استناد آن‌ها شکل می‌گیرد، کمتر به چشم می‌خورد. منبع شماره ۱۰ کتابی است با عنوان: هنر خط و زنان خوشنویس در تمدن اسلامی، که در سال ۱۳۷۵ توسط بانوی خوشنویس خانم عذرا عقیقی بخشایشی نوشته شده و ویرایش اول آن توسط نشر آذربایجان در تبریز به چاپ رسید. با توجه به پیشینه پژوهشی که در این کتاب انجام شده بود و نقاط قوتی که در این کتاب از حیث نحوه فصل‌بندی و معرفی بانوان خوش‌نویس آمده است، این منبع می‌توانست گام نخست باشد و در کتاب بانوان خوش‌نویس ایران به هنر خوشنویسی و مسائل مربوط به زنان به طور عمیق‌تر پرداخته شود. همچنین عقیقی بخشایشی کتاب دیگری با عنوان زنان خوش‌نویس با همان محتوای کتاب پیشین، را در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات کلهر به چاپ رسانید که در فهرست منابع کتاب مورد نقد، ذکر نشده است.

### ۳.۵ تصاویر به‌مثابه محتوا

در هیچ کجای متن شماره تصویر مربوطه ذکر نگشته است. در مطالب چند صفحه‌ای درخصوص یک هنرمند و آثارش، تصویر اثر بعد از متن آمده است. بهتر می‌بود که تصاویر در میانه متن و با ذکر شماره تصویر در متن ذکر می‌شد.

شماره‌گذاری زیرنویس تصاویر به حروف مصطلح نیست؛ ضمن اینکه فضای بیشتری را نیز اشغال می‌کند. زیرنویس تصاویر بسیار خالی از توضیحات پایه‌ای در مورد آن تصویر است؛ نویسنده برای شناخت بهتر تصاویر بدون مراجعه به متن، می‌بایست داده‌های پایه‌ای همچون نویسنده، نوع خط، نوع اثر؛ قدمت، محل‌نگهداری را در زیر هر تصویر ذکر می‌نمود. در معرفی آثار وحدت رویه وجود ندارد. یک‌بار نوع خط اول می‌آید، مانند صفحه ۳۷ قطعه خط نستعلیق گوهرشاد خانم دختر میر عماد قزوینی؛ جای دیگر کشور، شهر و محل نگه‌داری ابتدا می‌آید؛ مانند صفحه ۳۸: معرفی قرآن به خط مرجان. نام بردن از مواردی چون نوع اثر، قطع (اندازه)، محل نگه‌داری، شماره بازیابی، نوع خط، کیفیت خط، مضمون نوشتار، نوع کاغذ، رنگ کاغذ، تزئینات، تاریخ، کاتب، ابتدا و انتهای متن (ترقیمه)، تعداد صفحات، تعداد ستون، تعداد سطر، نوع و نقش حاشیه، جلد، سجع، مهر و امضاء به ترتیب در همه آثار به صورت متنی یا در قالب جداول مدون به نظم متن و انسجام مطلب در ذهن خواننده کمک می‌نماید.

با توجه به اینکه خانم ملامحمدی از کارکنان کتابخانه کاخ گلستان می‌باشند و دسترسی سهل‌تری نسبت به جمع‌آوری بسیاری از نسخ خطی، قطعات و رقع‌ها دارند؛ استفاده از

نمونه تصاویر بیشتر و جزءبرداری در روشن‌گری مطالب و کمک به دریافت توصیفات مفیدتر می‌بود. برای ایجاد ارتباط فضای ذهنی و نسخ‌خطی در مواقعی که در متن به مواردی چون رقم، امضا و مهر کاتب اشاره می‌شود، همانند صفحه ۴۵، ۶۵، استناد به جزئیات تصویر سجع مهرهای "بنت الشهنشاه السطنه"، "مشیرالسلطنه"، "حسین بن هدایت الله" و "رضالْحسینی" در خوانایی و فهم مطلب بسیار موثرتر می‌بود.

#### ۴.۵ مفهوم‌پردازی و کارکرد محتوای متن

متروانی و سهولت نوشتار، کتاب را برای گروه‌های سنی مختلف، اقشار هنرمند و نیز عموم غیر هنرمند قابل استفاده می‌نماید. با این وجود نیاز به انسجام بیشتر در محتوای مطالب احساس می‌گردد.

معرفی اولین بانوی خوش‌نویس در کتاب، بسیار کوتاه و مختصر انجام یافته، درخصوص نوع خط و ویژگی‌های نوشتاری آن طرح مبحث نشده است. ضمن آن‌که دکتر نعیمائی در مقدمه اشاره می‌کند که زینب شهید دختر ابن مقله شیرازی، ادیب، خوشنویس، مبتکر و مبدع خطوط مختلف و وزیر عباسیان است، اما ملامحمدی در معرفی شهیده، فقط به دوره زندگی وی در عصر عباسی متذکر می‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد مباحث جای بیشتری برای توضیح داشته است.

نوشتن درباره زن، بدون نگاه ساختاری و کلی به گذر تاریخی، سرنوشت یک ملت یا یک دوره تاریخی جهانی امکان‌پذیر نیست (حسنوند و مهدی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۲) / (ره‌نورد، ۱۳۸۵: ۴). نویسنده در جست‌جوی ویژگی‌های هنر زنان که تجلی بخش هویت‌های زنانه آنان باشد، نبوده است. پرسش‌های چون: آیا هنرمندان زن به زبان و بیانی ویژه دست یافته‌اند؟ عوامل اجتماعی و تاریخی که قرن‌ها موجب غیبت زنان در عرصه هنر شده است، چیست؟ این مهم مطرح است که همانطور که کسب علم و سوادآموزی برای زنان مطرح نبوده، هنرآموزی نیز برای جنس زن امری بعید به نظر می‌رسد. مگر در مواردی چون قالی‌بافی، گلیم‌بافی، گلدوزی و ... که اغلب هنری مربوط به زنان عام جامعه است. زنان دربار اساساً کمتر به چنین فعالیت‌هایی اشتغال داشته‌اند. در این کتاب وضعیت اجتماعی و فرهنگی زنان از دوران تاریخ هنر ایران که در آن نامی از زنان هنرمند نیست، می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. اینکه چرا و چگونه در دوره قاجار شاهد حضور تعداد بسیارزادتری از زنان هنرمند در عرصه خوش‌نویسی و کتابت هستیم؟

نقدی بر کتاب «بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ... ۱۳۳

بررسی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی زنان از مشروطه تا اواخر قاجار نشان می‌دهد، انقلاب مشروطه توانسته بود، هرچند گذرا، طلوع عصری جدید را برای اراده کشور، فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و آموزشی نوید دهد. از رهاوردهای انقلاب مشروطه، که تا دوران پهلوی نیز ادامه یافت، به‌وجودآمدن تدریجی جنبش زنان و طبقات اجتماعی متنوع بود. مشروطه، دربار را به دولت ملی و رجال را به مردم تبدیل کرد. ازاین‌رو حضور زنان در عرصه اجتماعی بیش از گذشته افزایش یافت. توجه زنان نخبه و خانواده‌های تراز اول به لزوم آموزش به زنان، تأسیس مطبوعات و تشکیل انجمن‌های مختلف زنان را در پی داشت و درنهایت به مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی بیش از پیش زنان در اواخر قاجار انجامید. با افزایش تعداد زنان تحصیل‌کرده و نیز آگاه به جایگاه خویش و طلوع تدریجی طبقه متوسط، سطح فرهنگ خانواده‌ها فزونی یافت. حضور عکاسی و سینماتوگراف در اواخر قاجار، بسیاری ازهنجارها را در دیدگاه و چشمان مردان فرنگ نرفته و نیز زنان محجور در کنج خانه‌ها تغییر داد و تدریس هنر نیز در مقطع متوسطه از این دوره آغاز شد. با وجود مشارکت زنان در روند انقلاب مشروطه با پیروزی آن، زنان به کناری زده شدند، اما آنان هرگز از پای نشستند و با تمام قوا به یادآوری نقش اجتماعی خود به مجلس و دربارکوشیدند. در این عصر، زنان خاندان‌های بزرگ و متجدد، علاوه بر اشتغال به شعر، خوش‌نویسی، صنایع‌دستی، ساز می‌نواختند و نقاشی می‌کردند. توجه آنها به هنر و حمایتشان از آن در تاریخ ثبت شده و آثارشان از جمله خط ناخنی و نگارگری ناخنی در گنجینه کاخ گلستان نگهداری می‌شوند (علی‌پور و دادور، ۱۳۹۴: ۱۷۴).

در صفحه ۴۴ از خانمی به نام "نوش‌آفرین انصاری" یاد می‌شود اما از جایگاه ایشان در این کار پژوهشی اطلاعی داده نمی‌شود. عکس ایشان نیز با فاصله بسیار زیاد در انتهای کتاب صفحه ۱۴۱ باز هم بدون توضیح آورده شده است.

در انتهای تمام نمونه‌هایی که جهت معرفی آثار هر بانوی خوش‌نویس آورده شده است، قسمتی به نام توضیحات آمده که در آن به محل نگهداری اثر اشاره می‌کند. محل نگهداری اثر امری مجزاست که می‌تواند تحت عنوان محل نگهداری آورده شود. عنوان محل نگهداری در زمره توضیحات متفرقه قرار نمی‌گیرد.

صفحه ۴۷ یک صفحه کامل تنها به یک جمله کوتاه که در ادامه مطالب صفحه قبل بود، اختصاص داده شده و باز در صفحه بعدی تصویری تک از صفحه افتتاح قرآن ضیاءالسلطنه

آورده شده است. در حالی که اجماع تصویر و یک خط مطلب در یک صفحه به راحتی ممکن است. امر اجماع در صفحه ۵۶ که دو خط نوشته دارد و در صفحه ۵۷ با یک صفحه کامل تصویر نیز صدق می‌کند. نیز مطالب اندک صفحات ۱۳۱ و ۱۳۲ می‌تواند با کم کردن تناسبات تصویر همراه متن در صفحه ۱۳۱ قرار بگیرد.

برخی از واژگان، اصلاحات و نکات نیاز به توضیحاتی به صورت پاورقی دارند. مانند صفحه ۵۱ در خصوص قرآن ۲ از ضیاءالسلطنه که وقف به مقبره فتحعلی‌شاه قاجار شده است. برای روشن شدن محل مقبره و ویژگی‌های معماری و زیبایی‌شناسی آن توضیحاتی به صورت پاورقی تکمیل کننده می‌باشد. یا در صفحه ۵۹ به هنگام ذکر نام "محمدعلی مصباحی نائینی" صاحب کتاب مدینه‌الادب برای آشنایی با نویسنده و کتاب ذکر توضیحی مختصر به صورت پاورقی لازم می‌نماید.

جملات به زبان عربی در صفحات ۶۶، ۷۳، ۹۰، ۹۳، ۹۹، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲، ۱۳۷ و ۱۴۱ به همراه معنی فارسی در متن یا به شکل پاورقی می‌توانست کامل‌تر باشد. صفحه ۱۳۸ ذکر نام "خیرات حسان" بدون هیچ معرفی از نویسنده و دوره آن، برای بسیاری از خوانندگان پرسش بی پاسخ می‌نماید.

توضیحات بخش‌های ابتدایی در مورد مبانی اولیه تاریخی و آشنایی با هنر خوش‌نویسی، با توجه به اینکه بخش زیادی از مخاطبان کتاب محققان و متخصصان فن می‌باشند و با تاریخ و اصلاحات آشنایی دارند و نیز برای جلوگیری از تکرار مکررات غیرضروری، در هنگام معرفی شخصیت هنرمند و آثارش، هرگاه به واژه و اصطلاحی تخصصی و ناآشنا مواجه شده، شایسته است توضیحات به صورت پاورقی در همان صفحه در زیر متن قرار بگیرد.

در صفحه ۱۰۵ خط آخر معرفی مرقع خط و تصویر ناخنی از فخرجهان، چنین آمده است: "مطابق ثبت کتابچه کتابخانه مبارکه است اودئیل ۱۱۸۲". اودئیل به معنی دومین سال از سال‌های دوازده‌گانه تقویم ترکی؛ سال گاو است. چنین کلمات منسوخ و ناآشنایی نیاز حتمی به ذکر توضیحات در متن یا پاورقی دارد.

سوال دیگری که مطرح است اینکه آیا از زنان هنرمند دوره قاجار که درباری بوده و در آن زمان دوربین عکاسی نیز به کشور وارد شده بود، عکس یا نگاره‌ای به جای نمانده است که در هنگام معرفی شخصیت آن‌ها تصویر خودشان نیز آورده شود؟

## ۶. نتیجه‌گیری

خواندن کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران؛ از زینب شهده تا ام سلمه" نوشته طاهره ملامحمدی با وجود برخی کاستی‌ها، اما دل‌نشین است. پرداختن به موضوعی جدید در حیطه فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری زنان و جسارتی که نویسنده محترم در این خصوص به خرج دادند، ستودنی است و این خود آغاز راهی مبارک است.

نویسنده تصویر دیگری از زن ایرانی را به دست داده است. به ویژه تصاویر عکس‌های عکاسخانه شاهنشاهی در دوره قاجار، جامعه‌ای از زنان اندرون حرامسرا با دغدغه لباس فرنگی، رقص، قلیان و... بیشتر به نمایش می‌گذارد. به‌رغم این‌ها ملامحمدی در کتاب خود، نقاب از چهره گمنامی زنانی هنرمند، فرهیخته و فاضل برمی‌دارد که نه فقط کتابت‌کننده، که شخصیت‌هایی امین و بانفوذ و تاثیرگذارند. این امر به ایجاد باورمندی و نیاز جامعه زنان و مردان جوان و نوجوان ایرانی در بازیابی هویت‌های اجتماعی‌شان و توان‌مندی‌های تاثیرگذار در جامعه می‌تواند بسیار موثر واقع گردد.

کتاب "بانوان خوش‌نویس ایران ... " نقطه‌شروعی برای طرح مباحث مربوط به آفرینش‌های هنری زنان در ایران است. این کتاب به شیوه توصیفی به گردآوری منابع و نمونه آثار خوش‌نویسی زنان هنرمند ایران به صورت میدانی و کتابخانه‌ای پرداخته است. کاستی‌هایی که در زمینه بررسی زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی و اقتصادی در تاریخ جغرافیای ایران زمین رخ داده است، کتاب را در سطح اثری توصیفی نگه می‌دارد و ضعف جدی در این زمینه دیده می‌شود. با تمام این اوصاف کوشش ملامحمدی در قدم‌نهادن در مسیری تازه که پیش از این مورد توجه هنرمندان و پژوهشگران واقع نشده است و ایشان برای اول بار به جستجو و کنکاش در وضعیت انجام امر خوش‌نویسی بانوان ایرانی در طول تاریخ دوران اسلامی پرداخته است، جای تقدیر بسیار دارد. به انضمام اینکه ایشان از پژوهش‌های تئوری پایان‌نامه خود بهره‌جسته، گام‌های موثری نظیر نگارش کتاب، برپایی نمایشگاه و برگزاری کارگاه آموزشی برای معرفی تاریخ و هنر خوش‌نویسان زن ایرانی برداشته‌اند.

اضافه نمودن بخش‌هایی به زبان انگلیسی، می‌تواند محتوای این کتاب را در دسترس غیرفارسی‌زبانان نیز قرار دهد و نیز بخشی از فعالیت‌ها و اثربخشی زنان ایرانی در دوران تاریخی را به جهان عرضه نماید و ذهنیت عام را در خصوص انفعال زنان در جامعه سنتی ایران تعدیل کند.

## کتاب‌نامه

آرام‌بن، فرشته. اسدی، شهریار و صنوبر، مهدی. (۱۳۹۵). «طراحی حروف جلد کتاب در آغاز هزاره سوم». سومین کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز، با همکاری مشترک دانشگاه علمی کاربردی آذین شوشتر - دانشگاه زرقان - واحد پژوهش دانش پژوهان همایش آفرین،

[https://www.civilica.com/Paper-MEAHBTM03-MEAHBTM03\\_221.htm](https://www.civilica.com/Paper-MEAHBTM03-MEAHBTM03_221.htm).

احمدی، نزهت. (۱۳۸۳). «نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان». بانوان شیعه. شماره ۱. ص ۱۹-۳۶.

بلخاری، حسن. (۱۳۸۹). «زن و هنر». نشریه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان). شماره ۴۷. ص ۱۹۶-۱۷۱.

بورکهارت، تیتوس. (۱۳۷۶). هنرمقدس: اصول و روش‌ها. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.

جمشیدی، حمیدرضا. (۱۳۸۵). آموزش جامع خوشنویسی. تهران: نشر بیهق.

حسنوند، محمد کاظم و مهدی پور، فروغ. (۱۳۹۲). «بررسی شش دوره نمایشگاه تجلی احساس». نشریه جلوه هنر. شماره ۹. ۲۱ تا ۳۰.

رایرتسون، یان. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه: تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی و کنش متقابل نمادی. ترجمه حسین بهروان. چاپ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس.

رهنورد، زهرا. (۱۳۸۵). «جایگاه زن در هنرهای تجسمی امروز ایران». نشریه مطالعات زنان. شماره ۱. ص ۱۳۳-۱۲۳.

علی پورهریس، آزاده. و دادور، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). «زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فعالیت‌های زنان نقاش دوران پهلوی (۱۳۰۴-۱۳۵۷ش)». نشریه زن در فرهنگ و هنر. شماره ۲. ص ۱۸۶-۱۷۱.

مرادی، علی‌رضا. (۱۳۹۶). «درآمدی بر جامعه‌شناسی تاریخی تقاضای اجتماعی آموزش در ایران». نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی. شماره ۳۶. ص ۱۴۵-۱۸۰.

ملا محمدی، طاهر. (۱۳۹۳). بانوان خوش‌نویس ایران، از زینب شهده تا ام‌سلمه. تهران: نشر سمیرا.